

تصميم در فضای آشوب

عباس عبدي

شاید بتوان گفت که از دو قرن پیش و بر اثر تحولات بزرگ اقتصادی و صنعتی و سیاسی، جهان وارد مدار آشوب شده ولی در هر حال، مقاطعی است که این وضع آشوبناک برجسته‌تر است و اکنون یکی از آن مقاطع تاریخی است. ویژگی‌های شرایط آشوب که به عنوان یک نظریه تحلیلی (chaos theory) نیز شناخته شده، چنین است. در آشوب اثر مشهور پروانه‌ای برجسته می‌شود. ممکن است پروانه‌ای در امریکای لاتین بال بزند، ولی اثر آن به صورت توفان در جنوب شرقی آسیا نمایان شود، زیرا سیستم آشوب به شدت ناپایدار و نامتعادل است و چه بسا اتفاقات و تغییرات کوچک بر حسب شرایط می‌تواند تبعات مهم و بزرگی داشته باشد. در شرایط آشوب و برخلاف شرایط عادی روابط میان پدیده‌ها خطی و پیش‌بینی‌پذیر نیست. چه کسی تصور می‌کرد که با آتش زدن خودخواسته یک جوان در تونس، شعله‌های آن اغلب کشورهای عربی را در برگیرد؟ جامعه عرب چنان در ناپایداری بود که یک اتفاق در یک گوشه جهان عرب توانست دومینووار کشورهای عربی را دستخوش تغییر کند، به طوری که کمتر کسی می‌توانست حدس بزند که اتفاق بعدی در کجا و چگونه رخ خواهد داد؟ شرایط امروز جهان نیز کما بیش آشوبناک است. شاید بتوان گفت که ماجرا با همه‌گیری کرونا آغاز شد، پس از آن جنگ اوکراین و تحولات انرژی و رشد قیمت‌ها به ویژه مواد غذایی، تشدید بحران مهاجرت، روند رو به افزایش تقابل به جای همکاری میان چین و آمریکا و پیشرفت چین، تحولات فناوری به ویژه هوش مصنوعی، جنگ غزه و آغاز یک جنایت گسترده از سوی اسرائیل و حمایت دولت‌های غربی از آن و در نهایت دستور بازداشت نتانیاهو و گالانت وزیر دفاع اسرائیل انتخاب دوباره ترامپ و نیز ورود جنگ اوکراین به مرحله‌ای جدید از کاربرد موشک‌های دوربرد قاره‌پیما و برای خاص ایران درگیری‌های نظامی با اسرائیل، قطعنامه اخیر آژانس و وضعیت عمومی داخل، از جمله ناترازی‌های گوناگون شرایط آشوبناکی را معرفی می‌کند. پرسش اصلی این است آیا سیاستگذاری و راهبرد سیاسی در شرایط آشوب مشابه شرایط عادی است؟ آیا می‌توان در هر دو فضا، یکسان تصمیم گرفت؟ پاسخ قطعاً منفی است. در این یادداشت می‌کوشم که برخی مولفه‌های تصمیم‌گیری در محیط آشوب را مرور کنم. اولین ویژگی

انعطاف‌پذیری است. سیاست متصلب و غیرمنعطف در شرایط آشوب، زیانبار است و پیشاپیش محکوم به شکست است، چون هر لحظه و زمان ممکن است تحولاتی رخ دهد که باید بتوان با آن تحولات همسو و هماهنگ بود یا در برابرشان واکنش موثری نشان داد. البته این به معنای اقتضایی و موردی تصمیم گرفتن نیست، بلکه باید راهبرد را حفظ کرد و در تاکتیک‌ها تنوع داشت. راهبرد را باید غیرمتصلب و کلان در نظر گرفت تا مانع از انتخاب تاکتیک‌های مناسب نشود.

نکته دیگر این است که جامعه را باید در مسیر تاب‌آوری قرار داد، چون در شرایط آشوب هر تکانه‌ای می‌تواند به سایر نقاط منتقل شده ایجاد بحران و تاب‌آوری جامعه را دچار اختلال کند. در واقع جامعه باید آمادگی شوک‌های گوناگون و جذب آن را داشته باشد. به علاوه باید منابع مالی و مادی جامعه را تنوع بخشید تا از این طریق ضربه‌پذیری کمتر شود. تاکید بر يك مولفه قدرت مثلا نظامی بدون توجه به مولفه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای یا برعکس، زیانبار است. سیاست‌ها و راهبردهایی که از تنوع اندکی بهره‌مند هستند، کارایی ندارند، به ویژه در شرایط و فضای سیاسی و عمومی «آشوب».

در تحلیل شرایط آشوب همیشه باید يك نکته را در نظر داشت و اینکه هر اتفاقی ولو کوچک ولو بی‌ارتباط با شما می‌تواند عاملی برای رقم زدن اقدامات بزرگ‌تر باشد. بنابراین نباید اتفاقات و رویدادهای کوچک را دست‌کم گرفت. نمونه این روزهای ما ربودن و کشتن يك خاخم یهودی در امارات متحده است. کاری که می‌تواند از سوی انواع و اقسام گروه‌ها و حتی طراحی شده از سوی خودشان برای زدن جرقه‌ای پیش‌بینی نشده باشد. کاری که در شرایط غیر آشوبی بی‌معنی است و قابل تصور نیست.

در شرایط آشوبی، تصمیم‌گیری‌ها باید با احتیاط و تدریجی باشد و امکان آزمون آن در ادامه فراهم باشد تا اگر پاسخ مثبت نداد، بازبینی و اصلاح شود. در این شرایط نیازمند اطلاعات و داده‌های به‌روز هستیم و نمی‌توان با الگوهای قبلی یا پیش‌فرض‌های قدیمی تصمیم گرفت. برای نمونه نمی‌توانیم درباره ترامپ چون گذشته داوری کنیم. حتی اگر بخواهیم همان‌گونه داوری کنیم، نیازمند بازخوانی جدیدی هستیم تا به همان نتیجه برسیم.

تصمیم‌گیری جمعی و مشارکتی به بهبود تصمیمات در شرایط آشوب کمک می‌کند. به ویژه اینکه توافق و حمایت جمعی را نیز به دست می‌آورد.

ویژگی فضای آشوب، عدم قطعیت، فراوان است. کسی نمیتواند روی یک نتیجه معین شرطبندی کند. باید احتمال حالات گوناگون را در نظر گرفت و با سناریوسازی برای هر حالتی آماده بود. در فضای عدم قطعیت نمیتوان به یک ایده قطعی اصرار کرد.

فقط باید کوشید و منابع را تنوع بخشید و محتاط بود و تصمیمات کوچک و کارآمد گرفتن و آماده بازبینی و اصلاح آنها بود. پس باید به طور مستمر و لحظه ای در حال یادگیری و گفتوگو بود و دست از تصلب سیاسی برداشت.

□□□□□□ 1403 □□□ 6 □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□